



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۷/۰۵



احسان الله مایار

یادی از دوست یک عمر مرحوم عطا محمد نورزائی

قسمت اول

سه روز قبل دوست بسیار عزیزم داکتر حیدر داور از آلمان برایم تلفونی اطلاع داد که دوست مشترک ما عطا جان به رحمت حق پیوست. با تأثر عمیق از گذشته ها یاد کردیم و یک بار دیگر بهم به توافق رسیدیم که روز های زندگی هر دوی ما نیز چندان دوامی نخواهد داشت و در کاروان بزرگ رفتگان شریک خواهیم شد. کوتاه سخن با هم به توافق رسیدیم که امروز زنده ایم و تا که زنده گی با ما است غم آینده را به کوه ها می سپاریم و یادش هم نمی کنیم. با درک اینکه دنیا به امید خورده شده به گذشته های خاطراتم سر زدم و خوش شدم که صفحه ای از سال ۱۹۸۱م، که از آن زمان قریب به چهل سال می گذرد و جزئی از تاریخ به شمار می رود، از لابلای اثرم "قیام ملت افغان" خیالم را به کوه بچه های سویس و قصر کوه Caux کشانید و چهره عطا نورزائی را زنده گردانید.



قصر کوه Caux، مُشرف به دریاچه ژنیو Lake Geneva سویس

در این قصر که تصویر آن از نظر خوانندگان گذارش می یابد به روز نهم جولای ۱۹۸۱ م یک عده افغان های ازادیخواه و ضد حکام دست نشانده اتحاد شوروی در وطن ازاده ما، گروه خفاش صفت دین و ملت و وطن فروش خلق و پرچم گرد هم آمدند تا راه حلی برای آزادی میهن عزیز ما جستجو نموده صدای آزادی خواهی به گوش های گر جهانیان برسانند.

اینک پروتوکول اولین اجلاس را از نظر خوانندگان گرامی می گذرانم:

۱۹۸۱-۷-۱۰ ۹،۳۰ قبل از ظهر آغاز گردهم آیی بین الافغانی:

اشخاصیکه در جلسه شرکت داشتند:

دکتور محمد یوسف، دگر جنرال عبدالکریم مستغنی، دکتور احمد ولید حقوقی، دکتور عطا محمد نور زائی، دکتور غلام محمد نیاز، همایون شاه آصفی، میرمن پروین علی، تاج محمد تاج، دکتور محمد قاسم فاضلی، دکتور عبدالحکیم طبیبی، سید قاسم رشتیا، عبدالمجید عزیز، محمد یحیی معروفی، دکتور عرفان فطرت و انجنیر احسان الله مایار. مجلس با تلاوت چند آیت از کلام الله مجید توسط دکتور غلام محمد نیاز افتتاح گردید.

بائر پیشنهاد دکتور محمد یوسف و تائید حاضرین جلسه، دکتور عرفان فطرت بحیث رئیس و میرمن پروین علی بحیث منشی مجلس انتخاب شدند.

اجندای مجلس:

- بحث در مورد اتحاد های فعلی افغانی در پاکستان و ساختمان سیاسی آنها

- بوجود آوردن اتحاد سرتاسری بین تنظیم ها و احزاب جهادی در پاکستان

- پیوند گروه های جهادی با مهاجرین افغانی.

- برقراری تماس با گروه های خارج تنظیمها و احزاب در داخل و خارج از کشور

نظر به اهمیت این نهضت که در واقع اولین گردهم آیی بین الافغانی جهت بسیج تمام قوه های ضد اتحاد شوروی و رژیم دست نشانده آن می باشد، با اعتقاد به اینکه باید در باره این تحرك سیاسی پس از تحقیق و مطالعه يك رساله جداگانه ترتیب و نشر شود. از دوستانیکه از آغاز تا امروز در این نهضت سهم داشته و اکثر شان الحمد الله حیات دارند تمنا می کنم تا به رویت اسناد موجود در اداره این ساختمان سیاسی در آلمان نشریه ای ترتیب نموده و آنرا بدسترس عامه بگذارند.

اینک فشرده جریان مذاکرات جلسه از نظر تان می گذرد.

دکتور فطرت از سهم گیری مدعوین اظهار امتنان کرده، اظهار داشت که از رهبران تنظیم ها و احزاب دعوت نموده تا در این جلسه بین الافغانی سهم بگیرند. متأسفانه آنها نسبت داغ بودن جبهات جهادی داخل افغانستان، پاکستان را ترك کرده نمی توانند و از سهمگیری در اجلاس معذرت خواسته اند.

دکتور محمد یوسف بعد از ارائه معلومات مقدماتی در باره اوضاع داخلی کشور نظر خود را در چوکات چند سوال مطرح کرد.

- مطلب از این گردهم آیی ما چه میباشد؟

- در قبال اوضاع امروزی در کشور چه وظیفه بما محول شده میتواند؟

بعد از مشخص نمودن دو اصل فوق، گفت که وی عقیده دارد که ابعاد جهادی را میتوان به سه اصل ذیل تنسیق کرد:

- جبهه مقدم و یا اولی در داخل کشور

- جبهه دومی که در واقع متمم جبهه اولی بوده و وظیفه نسبی در برنامه ریزی، تهیه مواد لوژستیکی و ساختمان احزاب و تنظیم ها را خارج از کشور دارند.

- جبههٔ سومی، می تواند سازمانی باشد که قوای بشری افغانی را در يك چوكات طوری قرار دهد که بتواند حیثیت يك تحرك مؤید و همکار جهاد افغانستان را به خود بگیرد تا بالاخره تشكّل يك قدرت سرتاسری جبههٔ متحد را در صحنه جهاد افغانستان معرفی نماید.
 - به منظور رسیدن باین اهداف در قدم اول باید با رهبران جهادی تماس مستقیم برقرار شده با ایشان به تفاهم رسیده و اطمینان خاطر شان بدست آورده که منظور ما از این کار صرف به قصد همبستگی و هم آهنگی با جهاد بوده و مطلب دیگری در آن نهفته نیست.
 - در قدم بعدی باید با انجمنها و گروه های افغانی در اروپا و بعداً در امریکا تماس ها برقرار گردد تا تساند و همبستگی آنها را در يك محور وسیع، ممد جهاد، بوجود آورد.
 - همایون آصفی در بارهٔ اوضاع کشور، برویت تماسهای شخصی خود با منابع خبر رسانی، بتفصیل معلومات داد که در نتیجه دو اصل ذیل از آن بدست آمد:
 - در جبهات جنگ علایم مثبت و چشمگیر موفقیت و ضاحت دارد
 - در افق سیاسی و معرفی جهاد مردم افغانستان در خارج از کشور کوتاهی های غیر قابل تردید موجود است که این کمبودی را می توان يك مشکل بزرگ ارزیابی کرد.
 - سید قاسم رشتیا در بارهٔ اوضاع جهاد معلومات مفصل داده که نکتهٔ قابل یادآوری آن مطلب زیر میباشد:
 - "اکثر عساکر اردوی رژیم کابل از خدمت زیر بیرق فرار کرده و با سلاح دستداشتهٔ خود و یا به غنیمت گرفته از قشله های عسکری، در صف مجاهدین می پیوندند. کمبودی عسکر برای رژیم کابل مشکلات خلق کرده و جهت دفع این معضله به گیر و گرفت جوانانیکه سن شان به ۱۴ سال رسیده باشد، اقدام شده که بعد از يك تربیت مختصر نظامی به جبهات جنگ فرستاده میشوند".
 - اجلاس بعد از ارائه نظریات و صحبتهای مؤثر در باره سهمگیری جبهه سومی (نظر دکتور محمد یوسف) ساعت ۷ شام خاتمه یافت.
- ۱۱-۷-۸۱
- شروع جلسه ساعت ۹ صبح
- بعد از تلاوت چند آیه قرآن مجید، به دوام اجلاس دیروزی هر يك در بارهٔ نحوه فعالیت شان با حلقات موجوده ابراز نظر کردند. جلسه تا ساعت ۱،۳۰ بعد از ظهر دوام کرد. قبل از ختم اجلاس، کمیته ای جهت تسوید اساسنامه تعیین گردید تا فردا سند متذکره را ترتیب و به جلسه پیش کند.
- اشخاص تعیین شده عبارتند از: دکتور عبدالحکیم طیبی، دکتور ولید حقوقی و دکتور قاسم فاضلی.
- ۱۲ - ۷ - ۱۹۸۱
- آغاز جلسه ساعت ۹ صبح
- مسوده اساسنامه توسط دکتور فاضلی قرائت شده و بعد از غور و بحث بر آن تصویب شد. برای اینکه اساسنامه شکل نهایی خود را گرفته بتواند، فیصله شد که در آینده قریب هیأتی ساختمان آنرا طوری لازم ترتیب داده و اساسات تصویب شده اجلاس در آن گجانیده شود .

در جریان صحبت در باره اسم این نهضت از طرف اعضای اجلاس پیشنهاد های مختلف صورت گرفت که در نتیجه به اتفاق آراء به اسم (جمعیت تحکیم وحدت و مبارزه آزادی افغانستان) موافقه شده و مخفف انگلیسی آن (O.S.U.L.A) تثبیت گردید.

(یادآوری: در محافل بین المللی و همچنان در بین افغانها این نهضت به نام "اسولا" یاد میشود. این اسم مخفف:

Organization for Strengthening the Unity and Liberation of Afghanistan

میباشد. در طول مطالعه این اثر اسم "اسولا" مکرر از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت .

طوریکه گفته شد ترکیب آن مخفف انگلیسی نام جمعیت میباشد.)

این است شکل نهایی اساسنامه که بعداً در بن، پایتخت آلمان غرب، ترتیب گردید و در اداره مسئول آلمانی رسماً ثبت گردید:

اساسنامه جمعیت تحکیم وحدت

بسم الله الرحمن الرحيم

{ و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا* و تعاونوا على البر والتقوى و لا تعاونوا على الاثم والعدوان }

اتحاد شوروی برای اجرای پلان دیرینه توسعه جویی خود که هدف آن رسیدن به بحرهند و حوزه نفت خیز خلیج فارس بمنظور تسلط به شاهراهای حیاتی کشور های صنعتی، تصاحب منابع نفتی خاور میانه و ثروت سرشار آسیا و افریقا و بالاخره بسط ایدئولوژی مارکسیزم و کمونیزم میباشد، با اقدام خطیری دست زد، که مرحله اول و مهم آن مداخله در امور داخلی افغانستان از طریق فعالیت عمال شوروی و متعاقباً انتقال قدرت سیاسی به رژیم تحمیلی کمونیست در اثر کودتای اپریل ۱۹۷۸ و بالاخره اشغال نظامی افغانستان (بدون آنکه به عکس العمل قاطع سایر کشور های منطقه و جهان مواجه گردد) میباشد.

مردم افغانستان از بدو انتقال قدرت سیاسی به عمال اجیر شوروی موقف صریح خود را علیه رژیم تحمیلی و ضد اسلامی که بهیچوجه با شرایط زندگانی اقتصادی و اجتماعی افغانستان و با عنعنات ملی و عقاید محکم اسلامی مردم آن توافق ندارد ابراز کرد. در مقابل حکومت وابسته بشوروی بمبارزه مسلحانه قیام کرده و بالاخره پس از مداخله نظامی شوروی جهاد مقدس را اعلان کردند.

این جهاد عمومی بدون کمک موثر دولتهای اسلامی و سایر کشورهای جهان فقط با نیروی عظیم معنوی که در سرشت مردم قهرمان نهفته است متداوماً در جریان است.

عملیات جنگی مجاهدین که برای مقابله با تجاوز عریان دشمن بداخل کشور ما انجام داده میشود بصورت موفق پیش میرود ولی این عملیات بنابر عدم موجودیت تشکیلات سیاسی و جنگی واحد و نداشتن سلاح و تجهیزات موثر و مدرن برای مقابله با يك ابر قدرت جهانی، و همچنان نسبت عدم موجودیت يك جبهه سیاسی واحد و مستحکم، ضعیف و پراکنده بوده و همان نتیجه را که همه ملت مسلمان و وطندوست افغانستان انتظار دارند – با وصف قربانیهاییکه تاریخ جنگهای آزادی خواهان جهان نظیر آنرا ندیده است – هنوز حاصل نشده است. دسته های متعدد مقاومت ملی که در داخل کشور فعالیت میکنند و همچنان تنظیمهای افغانی که در خارج کشور برای منظور پاک و مقدس دفاع از وطن تشکیل شده و عملیات نظامی را علیه دشمن رهنمایی میکنند، این وظیفه را در برابر خدواند (ج) و در برابر نسلهای آینده وطن بدرستی و ایماندارای ایفا کرده و بچنان متانتی که شایسته ملت خداپرست و غیور افغان است در برابر دشمنی که قویترین ابرقدرت جهان است با قبول تلفات سنگین ایستادگی

کرده اند. اما بملاحظه میرسد که هنوز در بین جبهاتیکه عملیات مسلحانه را چه در داخل کشور و چه در حواشی سرحدات پیش میبرند، اتحاد سرتاسری تامین نگریده است و علاوه با وصف داشتن هدف مشترك، تا حال اتحاد عمل در پیشبرد جهاد و تاسیس يك اداره سیاسی مشترك بیمان نیآمده است. عدم موجودیت چنین اتحاد عمل و نظر خلاهای عمده را در جهاد سرتاسری کشور ما بوجود آورده است. این نارسایی های ما بدشمن موقع میدهد تا خلاهای عمده فوق را با تبلیغات وسیع و قدرت دیپلماتیک قوی خود در انظار جهان عمیقتر جلوه داده و اعتماد مردم آزاد جهان و عقاید عامه بین المللی را در قضیه افغانستان ضعیفتر سازد و بالنتیجه حقایق را بنفع خود تغییر شکل داده و ازان بهره برداریهای مختلف و گوناگون سیاسی بنماید.

علاوتاً فقدان اتحاد کامل در قسمت تبلیغات و تهیه اخبار مربوط ب جنگ های افغانستان مخصوصاً عدم موجودیت يك مركز معین جمع آوری و پخش اخبار و اطلاعات موجب آن گردیده است که اکثر اخبار ضد و نقیض و بعضی اطلاعات پراکنده در مطبوعات جهان منعکس میگردد. و این اطلاعات که در حقیقت یکی از عناصر مثبت اصول تعیین پالیسی حکومت دنیای آزاد است طوری پخش میگردد که با وصف وضوح قضیه افغانستان و قیام سرتاسری علیه تجاوز شوروی، حکومت غربی عکس العمل خود را در قضیه افغانستان صرف بیک سلسله بیانات در مجالس بین المللی و بعضی اقدامات مختصر و موقت تعزیری منحصر ساخته اند که این عکس العمل خیلی ناکافی و دور از عدالت بشری است.

همچنان فقدان اتحاد مجاهدین موجب گردیده است تا کمکهای موثر حاصل نگردد در حالیکه قطعات اردوی منظم شوروی شهرها، قصبات، مراکز اقتصادی و فرهنگی ما را با پیشرفته ترین سلاحهای ضربتی زمینی و هوایی مورد حمله قرار میدهند و ما قدرت مقابله موثر و دوامدار را با آنها، نسبت فقدان سلاح مقتضی نداریم.

تماس منفردانه گروپهای مختلف مجاهدین با مقامات رسمی بعضی ممالک برای حصول کمکهای موثر از جهتی بجواب منفی مواجه شده که اولاً درخواست کنندگان این کمک ها از يك حزب و یا تنظیم مشخص نمایندگی کرده اند نه از يك جبهه وسیع ملی و ثانیاً اجرای چنین معامله از نظر روش و تعامل بین المللی متقاضی يك سلسله شرایطی است که در قبال اتحاد عمومی و منظم مجاهدین افغانستان میسر شده میتواند. چنانچه تماسهای مستقیم عده ای از اعضای مجاهدین در باره حصول کمکهای موثر سیاسی و نظامی با اشخاص مسول و رسمی بعضی کشورها صورت گرفته که در نتیجه بیاسخی منتهی شده است که مذاکره برای حصول چنین کمکهای مهم قاعدتاً با ارگانی صورت گرفته میتواند که ممثل کلیه مقاومت ملی افغانستان باشد. بنا بر ان لزوم تاسیس يك ارگان واحد که نمایندگی از اراده سیاسی و جنگی تمام دسته های مجاهد کرده بتواند راه را برای حصول کمکهای موثر و اساسی چه در ساحه جنگی و چه در ساحه سیاسی هموار مینماید.

در حالیکه اراده جنگی با تحمل فداکاری بینظیری بصورت پراگند در سرتاسر کشور در جریان است فقدان هم آهنگی در طرز العمل جهاد و فقدان اراده سیاسی واحد نتایج آتی را بوجود آورده است:

۱ - از يك طرف بدشمن موقع داده است که قیام عمومی ملت افغان را بحیث جنگهای پراکنده کلتوری در انظار جهانیان جلوه بدهد و باین صورت موضوع شناخت مقاومت ملی را بحیث یگانه نماینده و سخنگوی تمامیت ملت افغان مغشوش و بالاثیر قیام سرتاسری و عمومی ملت را در مطبوعات دنیای غرب بشکل خانه جنگی وانمود سازد که گویا يك عده افغانها علیه دیگری میروزمند و اشغالگران طوری تبلیغ میکند که موضوع تعیین حکومت برای افغانستان يك موضوع فیصله شده داخلی است.

۲ - از جانب دیگر قضیه افغانستان را که در حقیقت يك فیصله مربوط بصلح منطقه و صلح جهان است از سطح جهانی آن بسطح کاملاً محلی جلوه داده و بحیث يك مسئله مجزا از منطقه و جهان عرضه نماید.

۳- بهایی را که اتحاد شوروی در مقابله خود با این ملت باشهامت میپرداخت باید خیلی سنگین میبود ولی نسبت پراگندگی مقاومت ملی و فقدان هم آهنگی در جنبه های مختلف جهاد تا حال نپرداخته است.

تاسیس جمعیت تحکیم وحدت

برای اینکه جهاد وسیع مردم افغانستان علیه قشون اشغالگر شوروی بیشتر موثر گردد و جنبه نظامی جهاد با ایجاد يك جبهه سیاسی واحدیکه ممثل اراده تمام مجاهدین مسلمان داخل و خارج کشور، بشمول انعه برادران و خواهرانیکه فعلاً خارج دستهء جمعیت ها قرار دارند ولی بصورت منفردانه و غیر حزبی با فکر و ذهن خود علیه دشمن در پیکار میباشند به محور يك جمعیت عمومی قرار گیرند تا از مجموع همه آنها يك جبهه قوی، سالم و موثری به سویه ملی تشکیل شود.

برای رسیدن باین اهداف باید وسیله ایجاد شود تا عملیه اتحاد را سهولت بخشیده، ممد وحدت عمل و نظر کلیه مجاهدین راه آزادی کشور گردد.

این هدفی بود که از بدو قیام عمومی ملت افغان علیه متجاوزین در اعماق روح هر فرد مسلمان و وطن دوست کشور ما نفوذ کرده و همه کس ایجاد فوری آنرا يك امر کاملاً ضروری و عاجل پنداشته و برای تاسیس آن مساعی منفردانه و دسته جمعی بخرچ میدادند، اما موقع مساعدی برای طرح ریزی سیستماتیک آن دست نداده بود.

با در نظر داشت اهداف متذکره يك تعداد هموطنان مسلمان و جلالی وطن که در هیچ کدام حزب سیاسی اشتراک نداشتند بتاريخ دهم اگست ۱۹۸۱ در حومه شهر مونترو (سویس)، CAUX، در کانفرانسی که هدف آن معرفی جهاد افغانستان و برملاء ساختن ائتلاف حقوق بشر در افغانستان بود، گرد هم جمع شدند. این عده هموطنان ضرورت تاسیس يك جمعیت را برای این منظور امر میرم و عاجل دانستند تا چنین جمعیتی بتواند در راه اتحاد مجاهدین کشور ممد واقع شود. بنابر آن این عده اشخاص بطرح اساسات جمعیتی که بالاخره بنام "جمعیت تحکیم وحدت و مبارزه آزادی افغانستان" مسمی گردید اقدام کردند. اساسنامه این جمعیت در ۲۰ ماده ترتیب و طی اعلامیه به نشر سپرده شد.

(شاملین مجلس: دوکتور محمد یوسف، جنرال عبدالکریم مستغنی، دوکتور عبدالحکیم طیبی، دوکتور ولید حقوقی، دوکتور قاسم فاضلی، سید قاسم رشتیا، دوکتور غلام محمد نیاز، دوکتور عطا محمد نورزی، دوکتور عرفان فطرت، همایون شاه آصفی، میرمن پروین علی، تاج محمد تاج، و انجنیر احسان الله مایار).

ادامه دارد